

## **Legislative Miracle in the Qur'an**

**Abbas Kowthari<sup>1</sup>**

### **Abstract**

The miracle of the Holy Qur'an has several aspects; one of them is the legislative miracle; which means that, God's challenge on the Qur'an also includes the legislative system (knowledge related to beliefs and rulings). This aspect of the miracle of the Qur'an has not been discussed like any other aspects of the Qur'anic miracle extensively. This study seeks to prove the miracle of the Qur'an in the aspect of legislation, which has been argued in an analytical and attributive method to the comprehensiveness, and scope of the Qur'anic teachings and rulings and the power to adapt to the requirements of time through keeping the principles and rules descended to the Prophet. A third idea has been put forward in explaining the Qur'an's comprehensiveness, by expressing the view of absolute comprehensiveness in relation to all divine and human sciences and the comprehensiveness in matters of human guidance and that is, the purpose of the comprehensiveness of the Qur'an is to express the principles and rules that make human beings achieve various sciences. To prove the third view, the Qur'anic and narrative evidence as well as the study of the scope of Qur'anic verses are considered. At the same time, the secret of conformity of the Qur'anic legislations to the requirements of time is explained by the five principles (conformity with nature, the expression of general and lasting principles, secondary titles, the authority of the Prophet and the Fourteen Infallibles' tradition, and the principle of ijtihad). The result is that these guidance teachings have only come from God, because the ordinary human cannot express his view without connecting to revelation (Wahy) in various aspects of the religious teachings in the general context from the beginning to the end of the world and by applying different ways of reasoning to the Afaq and Anfus verses. At the same time, in the legal and ethical rulings, the human must be the creator of the teachings, which are comprehensive, epidemic, and applicable to the requirements of all times.

**Keywords:** Legislative Miracle, Comprehensiveness of the Quran, conformity, challenge.

---

1. Assistant professor at Islamic Sciences and Culture Academy, Research Center for Qur'anic Culture and Sciences. m.kosari1363@gmail.com.

## درآمدی بر اعجاز تشریحی در قرآن

عباس کوثری\*

### چکیده

اعجاز قرآن کریم ابعدی دارد؛ یکی از آنها اعجاز تشریحی است؛ یعنی تحدی خداوند در مورد قرآن شامل نظام تشریحی (معارف اعتقادی و احکام) آن نیز می‌شود. درباره این بُعد از اعجاز قرآن به گستردگی دیگر ابعاد اعجاز قرآن، بحث نشده است. هدف این نوشتار، اثبات اعجاز قرآن در بُعد تشریح است که برای اثبات آن به روش تحلیلی و اسنادی به جامعیت و گستره معارف و احکام قرآن و قدرت انطباق بر مقتضیات زمان با حفظ اصول و قواعد نازل شده بر پیامبر ﷺ استدلال شده است. در تبیین جامعیت قرآن، با بیان دیدگاه جامعیت مطلق نسبت به تمامی علوم الهی و بشری و دیدگاه جامعیت در امور مربوط به هدایت انسان‌ها، ایده سومی مطرح شده و آن اینکه مقصود از جامعیت قرآن، بیان اصول و قواعد راهگشا برای دستیابی انسان‌ها به علوم گوناگون است. برای اثبات این دیدگاه سوم، شواهد قرآنی و روایی و نیز مطالعه در گستره و قلمرو آیات قرآن ذکر شده است؛ در ضمن راز انطباق تشریحات قرآن بر مقتضیات زمان با پنج اصل (انطباق با فطرت، بیان اصول کلی و ماندگار، عناوین ثانویه، حجیت سنت پیامبر و معصومان علیهم‌السلام و اصل اجتهاد) توضیح داده شده است. نتیجه اینکه این معارف هدایتی تنها از جانب خدا صادر شده است؛ زیرا بشر عادی بدون اتصال با وحی نمی‌تواند در ابعاد مختلف معارف اعتقادی در گستره‌ای عام از آغاز تا فرجام جهان و به کار گرفتن شیوه‌های مختلف در استدلال از آیات آفاقی و انفسی سخن بگوید و در همان حال در احکام حقوقی و اخلاقی آورنده تعالیمی جامع، فراگیر، قابل انطباق بر مقتضیات همه زمان‌ها باشد.

### کلیدواژه‌ها

اعجاز تشریحی، جامعیت قرآن، انطباق، تحدی.

## مقدمه

اعجاز قرآن دارای ابعاد گوناگون و متنوعی است و همچنان بر تارک زمان می‌درخشد و جلوه‌هایی از آن در اعجاز بیانی فصاحت و بلاغت، اعجاز از جهت عدم اختلاف، اعجاز در بیان خبرهای غیبی، اعجاز علمی متجلی شده است. پژوهشگران دینی در این زمینه تحقیقات ارزشمندی را ارائه کرده‌اند که نمونه‌هایی از آن در آثار فاخر بزرگانی آمده است (بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱: ص ۹؛ خوبی، ۱۳۹۴، ص ۵۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ص ۶۲). آیت‌الله معرفت نیز در ادامه این حرکت به توضیح و تبیین این ابعاد پرداخته و متناسب با هریک از آنها محورهای متنوع و گوناگونی را بررسی کرده است؛ برای نمونه وجوه اعجاز بیانی را با عناوین ذیل بررسی کرده است:

۱. دقت در بیان؛ ۲. سبک نو و شیوه جدید بیانی؛ ۳. دلنشینی کلمات و روانی عبارات؛ ۴. آراستگی نظم و هماهنگی نغمه‌ها؛ ۵. نمایش معنا در آوای حروف؛ ۶. به هم پیوستگی و انسجام در ساختار قرآن؛ ۷. تشبیه‌های نیکو و تصویرهای زیبای قرآن؛ ۸. استعاره‌های نیکو و تصویرهای زیبا؛ ۹. کنایه‌ها و تعریض‌ها زیبای قرآن؛ ۱۰. نکته‌های تازه و زیبای بدیعی (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۵: ص ۱۶؛ گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۳: ص ۵۴۹).

یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن، اعجاز تشریحی است که درباره آن به گستردگی ابعاد اعجازی دیگر قرآن، بحث نشده است. درباره این بُعد از اعجاز قرآن کریم، پرسش‌هایی مطرح است؛ از قبیل منظور از اعجاز تشریحی چیست؟ آیا قرآن به اعجاز تشریحی تحدی کرده است؟ دلایل اثبات اعجاز تشریحی چیست؟ در این نوشتار، سعی شده است پرسش‌های یادشده بررسی شود.

## ۱. اعجاز در لغت و اصطلاح

اعجاز برگرفته از ماده عجز به معنای ناتوان ساختن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ص ۲۳۲) و جمله «اعجزنی فلان» به این معنا است که آن شخص مرا ناتوان ساخت (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ص ۲۵۳) و در اصطلاح علم کلام و تفسیر، اعجاز عبارت است از امری خارق‌العاده که

خارج از توان انسان‌ها است و مدعی منصب نبوت، آن را گواه صدق خویش قرار می‌دهد (بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج: ۱؛ ص: ۳؛ معرفت، ۱۳۸۶، ج: ۴؛ ص: ۲۳)؛ به تعبیر دیگر اعجاز امری است خارق‌العاده که به اذن الهی از سوی پیامبران همراه با تحدی و اعلام ناتوانی دیگران از آوردن همانند آن انجام می‌پذیرد.

## ۲. معنای تشریح

واژه تشریح از ریشه شرع است. واژه شرع در اصل به معنای ظاهر و آشکار بودن است. عبارت «شرع الله لنا کذا یشرعه» به این معنا است که خداوند آن را برای ما روشن ساخته است (فیومی، ۱۴۰۵ق، ج: ۲؛ ص: ۳۱۰). راغب می‌نویسد: کلمه شرع در اصل مصدر است، سپس اسم برای راه روشن شده است و عبارت «شرعت له طریقاً» یعنی راهی به او نشان دادم و آشکار کردم و به‌طور استعاره به طریقه و دین خداوند گفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق؛ ص: ۴۵۰). شریعت به معنای معارف دینی است که خداوند برای بندگانش خود مقرر کرده است و آنان را به اطاعت از آنها فرمان داده است (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج: ۱؛ ص: ۲۵۳). بر این اساس مقصود از تشریح، بیان قوانین و دستورهای وحیانی است که خداوند به‌واسطه پیامبران بیان کرده است. علامه طباطبایی درباره تشریح می‌نویسد: تشریح مجموعه‌ای از اعتقادات حق و اعمال نیک است که خداوند به آنها تکلیف کرده و بر موافقتش وعده ثواب و بر ترک آنها وعده عقاب داده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج: ۷؛ ص: ۳۴۶). آیت‌الله معرفت نیز تشریح را در گستره‌ای عام قرار داده است و اعجاز تشریحی قرآن را در رابطه با هر یک از معارف اعتقادی و عملی قرار داده است (معرفت، ۱۳۸۶، ج: ۶؛ ص: ۲۱۳).

## ۳. معنای اعجاز تشریحی

اعجاز تشریحی یکی از انواع اعجاز محتوایی قرآن کریم است که اخیراً برخی مفسران بر آن تأکید کرده‌اند. به این نوع اعجاز گاهی «اعجاز قانونگذاری» نیز گفته می‌شود. اعجاز تشریحی به این معنا است که مجموع احکام و قوانین قرآن کریم در زمینه‌های فردی و اجتماعی زندگی بشر در حدی است که نشانه‌ای بر الهی بودن قرآن کریم است که نه قابل نقض است و نه صدور آن از جانب فردی امی و تعلیم‌ندیده امکان‌پذیر است و از این رو

است که بشر عادی قادر به آوردن چنین قوانین و احکامی نیست؛ بنابراین یکی از راه‌های اثبات وحیانی بودن قرآن کریم تشریحات و قوانین آن است.

#### ۴. پیشینه

اعجاز تشریحی اخیراً در میان مفسران مطرح شده است. آغازگر طرح این نوع اعجاز را می‌توان، بلاغی در مقدمه تفسیر آلاء الرحمن دانست. وی در مقدمه تفسیر، اعجاز از جنبه تشریح عادلانه و نظام مدنی قرآن کریم را مطرح و در تبیین این نوع اعجاز بر این نکته تأکید می‌کند که یکی ویژگی رسول خدا که در عصر خویش و از جهت محیطی که در آن رشد کرده بود و مردمی که در میانشان می‌زیست، همراه با عادت‌های بدوی آنان، بشری عادی بوده است؛ بنابراین با در نظر گرفتن این شرایط برای آورنده قرآن کریم و تأمل و دقت در احکام و قوانین حقوقی و اجتماعی و خانوادگی، عادتاً برای چنین بشری عادی ممکن نیست بدون پشتوانه وحی الهی، جاعل قوانین باارزش و معقول موجود در قرآن کریم باشد. سپس وی برای برجسته‌تر نشان دادن احکام مدنی و حقوقی قرآن کریم به برخی احکام مخدوش و نامقبول و آمیخته به خرافات موجود در عهد قدیم و جدید اشاره می‌کند و خواننده را به مقایسه میان احکام قرآن کریم با عهدین فرا می‌خواند و تفصیل بیشتر را به دو کتاب دیگرش الهدی الی دین المصطفی و الرحلة المدرسیه ارجاع می‌دهد (بلاغی، ۱۴۲۰ق: ص ۱۳-۱۴). پس از ایشان، در آثار علامه طباطبایی و آیت‌الله خویی - از شاگردان آیت‌الله بلاغی - این مباحث به چشم می‌خورد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۶۰؛ خویی، ۱۳۹۴ق: ص ۷۲-۷۹). این بحث بعد از آن دو دانشمند در آثار آیت‌الله معرفت بسط بیشتر یافته است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۶، ج ۶: ص ۲۱۱-۳۳۰).

هم‌زمان با بلاغی، رشیدرضا نیز یکی از وجوه اعجاز قرآن را اعجاز تشریحی معرفی می‌کند. از دیدگاه وی معارف احکام قرآن کریم که با شرایط هر زمان و مکانی سازگار است، از ظاهرترین وجوه اعجاز قرآن به حساب می‌آید.

نکته قابل توجه در دیدگاه وی این است که افزون بر برتر دانستن قوانین و معارف قرآن کریم در مقایسه با احکام دیگر کتاب‌های آسمانی، به مقایسه احکام قرآن با دیگر قوانین موضوعه بشری نیز روی آورده است (رضا، بی‌تا، ج ۱: ص ۱۶۳-۱۶۴). هم‌زمان با بلاغی و رشید

رضا، دانشمندانی از شیعه مانند میرزا مهدی اصفهانی و شیخ مجتبی قزوینی مسئله‌ی اعجاز تشریحی را مطرح کردند (اصفهانی، ۱۳۸۵: ص ۳؛ قزوینی خراسانی، ۱۳۸۹، ج ۲: ص ۱۹۶-۲۰۶).

### ۵. تحدی قرآن به اعجاز تشریحی

از ارکان مفهوم اعجاز در منصب نبوت، تحدی و اعلام هم‌اوردی برای آوردن همانند آن است تا در صورت ناتوانی دیگران روشن گردد که آورنده آن، پیام آور وحی الهی است. قرآن کریم در جهت اثبات آسمانی بودن آیاتش به معارف و احکام جامع و فطری تجلی یافته در آنها تحدی کرده و از همه افراد خواسته است که اگر در وحیانی بودن آن شک دارند، همانند آن را ارائه کنند. یکی از اوصاف قرآن هدایتگری است. هدایت قرآنی در دو بخش متجلی شده است: یکی معارف اعتقادی و دیگری احکام و قوانین عملی و تشریحی؛ برای نمونه در سوره بقره کسانی را هدایت یافته به شمار آورده که از جهت اعتقادی ایمان به غیب، ایمان به معارف و احکام نازل شده بر پیامبر خاتم و پیامبران پیشین و یقین به آخرت داشته باشند و از جهت عملی به اقامه نماز و انفاق مال متعهد باشند. در این صورت است که آنان بر هدایت‌اند و رستگارانند: «أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ ایشان بر رهنمونی [به راه راست] از پروردگار خویش‌اند، و آنان‌اند رستگاران» (بقره: ۵)؛ در نتیجه وقتی قرآن می‌فرماید اگر جن وانس جمع شوند نمی‌توانند همانند قرآن بیاورند، یکی از ابعاد آن تحدی به آوردن قرآن با ویژگی هدایت در زمینه اعتقادات و احکام عملی است. افزون بر آنچه گذشت قرآن کریم به صراحت در مورد قدرت هدایتی خویش در گستره معارف اعتقادی و عملی تحدی کرده و فرموده است: «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَسْتَبِعونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعِيرٍ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ بگو: اگر راست می‌گویید، کتابی از نزد خداوند بیارید که رهنمون‌تر از آن دو باشد تا آن را پیروی کنم. پس اگر تو را پاسخ ندادند، بدان که از هوس‌ها و کام‌های خویش پیروی می‌کنند و کیست گمراه‌تر از آن کس که بی‌رهنمونی از سوی خدا کام و هوس خویش را پیروی کند؟ همانا خدا گروه ستمکاران را راه ننماید» (قصص: ۴۹-۵۰). این در حالی است

که در آیه دیگر فرموده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا؛ این قرآن به راهی که استوارترین راهها است هدایت می‌کند و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آنها پاداش بزرگی است» (اسرا: ۹)؛ در نتیجه قرآن خود را برخوردار از قدرت هدایت برتر اعلام کرده و در هر دو بخش معارف اعتقادی و عملی افراد را به مبارزه دعوت کرده است.

### ۶. مفهوم جامعیت قرآن

در اینکه منظور از جامعیت قرآن چیست، آرای مختلفی ذکر شده است که مهم‌ترین آنها دو دیدگاه است:

۱. تمامی علوم در قرآن بیان شده است، حتی قوانین و فرمول‌های مرتبط با علمی همانند علوم تجربی و ریاضی، فیزیک و شیمی (سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۱۰۳۵).
- دلیلی که برای آن ذکر شده، کلام الهی است که می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ؛ و ما این کتاب را که بیانی رسا برای هر چیزی و راهنما و بخشایش و مژده برای مسلمانان است بر تو فرودستادیم» (نحل: ۸۹)؛ زیرا تعبیر «لِّكُلِّ شَيْءٍ» بیانگر عموم و شمول است. دلیل دیگر، روایاتی است که برای قرآن افزون بر ظواهر، لایه‌های مختلفی اثبات می‌کنند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۶: ص ۴۴۸) که از آن با تعبیر بطون قرآن یاد می‌شود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ص ۷۷-۷۴). برخی این جامعیت را تنها برای پیامبر و معصومان علیهم‌السلام دانسته‌اند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۶: ص ۴۴۸).
۲. منظور از جامعیت قرآن این است که آنچه بشریت برای هدایت از اصلاح نفوس، استواری اجتماع، تزکیه و تربیت، اجرای عدالت، حقوق انسانی در ابعاد مختلف آن بدان نیازمند است، در قرآن کریم بیان شده است. اگر کسی کتابی را در ریاضیات، فیزیک یا علوم ادبی بنویسد، وقتی گفته می‌شود همه چیز در این کتاب است، منظور این است که این کتاب آنچه را که مربوط به موضوعش است، فروگذار نکرده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ص ۶۲۸؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳: ص ۲۰۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵: ص ۵۶۴). دلیلش این است که قرآن در آیات مختلف رسالت خود را هدایت انسان‌ها قرار داده است. خداوند هدف از نزول قرآن کریم را این‌گونه بیان می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى

لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ؛ [ایام روزه] ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن در آن نازل شده، همان قرآن که هدایت برای مردم است و در آن نشانه‌هایی روشن از هدایت است و فرق گذارنده میان حق و باطل است» (بقره: ۱۸۵). نیز می‌فرماید: «وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛ ما کتابی برای آنها آوردیم که آن را با آگاهی شرح دادیم که موجب هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان می‌آورند» (اعراف: ۵۲)؛ در نتیجه «تبیانا لكل شیء» که صفت برای قرآن ذکر شده است، بدین معنا است که آنچه مرتبط با هدف قرآن و رسالت هدایتی او است، به صورت جامع بیان شده است. آیت‌الله معرفت بر این باور است که جامعیت قرآن به این معنا است که قرآن اصول هدایتی در زمینه معارف اعتقادی و احکام و تشریحات را به‌طور کامل بیان کرده است و رئوس و پایه‌های آنها در قرآن موجود است. قرآن وقتی با جمله «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (مائده: ۳) کمال و جامعیت دین را بیان کرده، از این جهت است که روی کرسی تشریح نشسته، نه روی کرسی تکوین. اگر مدعی این کلام، بر کرسی تکوین تکیه داده بود و گفته بود که هر آنچه که نیازمندی است، من برای شما آورده‌ام، در چنین ادعایی جا داشت که بگوییم علوم تجربی و ریاضی و تمام ابعاد فرآورده‌های بشری باید دست کم ریشه‌اش در قرآن بوده باشد؛ ولی این سخن را موقعی گفته است که بر کرسی تشریح تکیه زده است؛ پس معنایش این است که آنچه را که مربوط به شریعت است، برای شما مطرح و پایه‌ریزی کرده‌ام. این همانند آن است که یک فقیه مانند شیخ صدوق کتابی را مثل من لایحضره الفقیه بنویسد و بگوید: هر آنچه مورد نیاز بوده است، در این کتاب گرد آورده‌ام. این سخن را موقعی می‌گوید که بر کرسی فقهت تکیه زده باشد، یا وقتی که محمد بن زکریا کتاب من لایحضره الطیب را می‌نویسد و می‌گوید: من کتابی می‌نویسم که تمام نیازمندی‌های مردم را فراهم کنم، به این معنا است هر آنچه را که در عالم پزشکی مورد نیاز است، من ارائه می‌دهم (گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۲: ص ۴۳۷).

در کنار این دو نظریه می‌توان ایده سوم را محتمل دانست و آن این است که منظور از جامعیت قرآن بیان اصول و قواعد راهگشا برای دستیابی انسان‌ها به علوم گوناگون است. با این شیوه، انسان در تلاش است که خلاقیت و ابتکار خویش را به کار گیرد و همواره آفاق جدیدی از توسعه علوم را در زندگی خویش متجلی سازد؛ برای مثال قرآن بدون بیان



فرمول‌های دانش نظامی، اصلی را فرا راه معتقدان خویش قرار می‌دهد و می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید» (انفال: ۶۰). این اصل موجب می‌شود که انسان‌ها برای رسیدن به دانش نظامی تکاپو و تلاش لازم را داشته باشند. در نمونه‌ای دیگر خداوند از انسان‌ها خواسته است که به عمران و آباداتی زمین همت گمارند: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ او است که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت» (هود: ۶۱). این فرمان موجب می‌گردد انسان استعداد خود را در جهت آبادانی زمین به کار گیرد و به اختراع تولید ابزارهای برتر در عمران زمین دست یابد.

## ۷. دلایل اعجاز تشریحی

### ۷-۱. جامعیت حکیمانه

برای اثبات اینکه قرآن کریم از جهت معارف اعتقادی و عملی جامعیت دارد، شواهد و دلایل گوناگونی به ترتیب زیر وجود دارد.

#### ۷-۱-۱. آیات قرآن

جامعیت قرآن موضوعی است که در قرآن از آن به روشنی یاد شده است و در نتیجه یکی از ابعاد دعوت به مبارزه و تحدی با قرآن در ارتباط با جامعیت آن است. خداوند درباره این ویژگی می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است» (نحل: ۸۹) و در آیه دیگر می‌فرماید: «مَا كَانَ حَدِيثًا يَفْتَرِي وَ لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛ اینها داستان دروغین نبود، بلکه تصدیق‌کننده کتاب‌های آسمانی پیش روی خود است و شرح و تفصیل هر چیزی است و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند» (یوسف: ۱۱۱) و به همین سان است کلام الهی که می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (مائده: ۳). آیت‌الله معرفت می‌نویسد: بدون شک ما به جامعیت قرآن معترفیم و اساساً «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» معنای

کمال را می‌رساند که اسلام و در رأس آن قرآن، آنچه را نیاز بشر بوده، به‌طور کامل عرضه کرده است (گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۲: ص ۴۳۷).

### ۲-۱-۷. روایات

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «انَّ الله تبارك و تعالی انزل فی القرآن تبيان كلِّ شیءٍ حَتَّى و الله ما ترك شیئاً تحتاج الیه العباد حتی لا یستطیع عبد یقول لو كان هذا انزل فی القرآن الا و قد انزله فیهِ؛ خداوند تبارك و تعالی در قرآن همه چیز را بیان فرموده است. به خدا سوگند هیچ‌یک از آنچه را مورد نیاز مردم است، فروگذار نکرده است تا آنکه فردی نگوید اگر آن درست بود، در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید که خداوند آنچه را مردم به آن نیاز دارند نازل فرموده است» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ص ۷۴). ایشان در حدیثی دیگر فرموده است: «ما من امرٍ یختلف فیهِ اثنان الا و له اصل فی کتاب الله عزوجل و لكن لاتبلغه عقول الرجال؛ هیچ‌یک از امور را که در آن دو نفر اختلاف دارند نمی‌توان یافت مگر آن که برای آن اصل و ضابطه‌ای در قرآن وجود دارد، ولی عقل و دانش مردم به آنها نمی‌رسد» (همان).

### ۳-۱-۷. گستره موضوعات قرآنی

سومین دلیل بر جامعیت قرآن نگاه اجمالی به موضوعات قرآن است. از جمله پرسش‌های اساسی انسان این است که می‌خواهد بداند از کجا آمده و برای چه هدف پای به این کره خاکی گذاشته است و به سوی کدامین مقصد در حرکت است و از سویی دیگر انسان دارای روابط مختلف است: ۱. رابطه با خداوند؛ ۲. رابطه با خویشتن؛ ۳. رابطه با طبیعت، زمین، گیاهان، حیوانات؛ ۴. رابطه با هموعان. معارف و احکام، برنامه‌ها و قوانین، زمانی کامل است که بتواند اولاً پاسخگوی مسائل پیشین باشد و در مرحله بعد هریک از این چهار رابطه را در ساختاری هماهنگ و متعادل تنظیم کند. درباره اینکه انسان و جهان از کجا آمده است، قرآن خداوند را آفریننده هستی معرفی کرده و او را با صفات متعالی به دور از هرگونه شرک توصیف کرده است. قرآن توحید ذاتی، صفاتی، عبادی و افعالی را برای ذات یکتای بی‌نیاز بیان کرده و دلایل مختلف و متنوعی برای آن آورده است.

همچنین آفرینش آسمان‌ها، زمین، کوه‌ها، دریاها، گیاهان، حیوانات، ابر، باد، باران، تگرگ، شهاب‌ها و مانند آن را یادآور شده و همه آنها را نشانه‌هایی روشن بر وجود خداوند قرار داده است و از پرستش غیر خدا، اعم از انسان یا فرشته یا خورشید یا ستاره یا بت برحذر داشته است و تسیح، تنزیه و کرنش همه موجودت و آگاهی درونی آنها را در برابر خالق هستی در آیات خود متجلی ساخته است و اینها همه خود هر کدام موضوعاتی خاص و مستقل‌اند که در آنها باید تأمل و دقت کرد.

قرآن درباره اینکه انسان برای چه آمده است، هدف از آفرینش او را بیان کرده و برنامه دستیابی او به هدف را با بعثت پیامبران و تعیین الگو تنظیم کرده است و در این راستا اعجاز را فراره او قرار داده تا شک و شبهه را بزدايد. برای تعیین مقصد، معاد و اعتقاد به قیامت را که تأثیر فوق‌العاده‌ای در سبک زندگی دارد با شیوه‌های مختلفی بیان کرده است و با جمله زیبای «أنا لله و أنا اليه راجعون» راه مستقیم زندگی را مشخص ساخته است و با ترسیم جهان پس از مرگ و بهشت و جهنم و حشر مردگان و مراحل بین مرگ تا قیامت، آفاق نگاه انسان‌ها را گستره‌ای فراتر از مادیات بخشیده است. این در حالی است که در هریک از ابعاد و روابط چهارگانه بالاقوانین و احکامی جامع ارائه کرده است. در زمینه روابط انسان با خداوند، قرآن عبادات را که مربوط به پرستش است، مقرر کرده است. عبادت از جلوه‌های فطری روح و روان انسان است که با شناخت آفریننده هستی و صفات جلال و جمال او پدیدار می‌گردد. نماز، روزه، اعتکاف، حج، ظهور شکوهمند این حقیقت است. این در حالی است که برخی عبادت‌ها از مقوله خدمات اجتماعی است که اسلام آن را با عبادت همراه ساخته است، همانند زکات و خمس که لازم است با قصد قربت انجام شود. برای رابطه صحیح و سعادت‌مندانه با خویشتن به نفس اماره توجه داده و در مورد وسوسه‌های شیاطین از جن و انس و پیروی از هوای نفس هشدار داده است.

برخی برای رابطه انسان با خویشتن فصل‌هایی گشوده‌اند: ۱. تفکر و تدبیر؛ ۲. یادگیری و دانش‌آموزی؛ ۳. کار و تلاش؛ ۴. حفظ تن و حرمت اضرار به نفس؛ ۵. نظافت و بهداشت؛ ۶. خوردن و آشامیدن؛ ۷. لباس و پوشش؛ ۸. زینت و آراستگی؛ ۹. مسکن و امکانات زندگی؛ ۱۰. خواب و بیداری؛ ۱۱. تفریحات سالم و ورزش (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۶۷). در

فقه و اخلاق اسلامی برای همه این یازده مورد برنامه و دستورالعمل‌هایی خاص بیان شده است. ترغیب به صفاتی مانند استقامت، صبر، عدالت، احسان، محبت، ذکر خدا، محبت خدا، شکر خدا، ترس از خدا، توکل به خدا، رضا و تسلیم در مقابل فرمان خدا، تقوا، راستی و امانتداری، و بازداشتن از رذایل اخلاقی مثل حرص، طمع، ریا، حسادت، کینه، غیبت و تهمت بخشی از آن است. همچنین برای روابط با هموعان احکامی خاص که در ابواب مختلف فقهی آمده مقرر کرده است. بعضی بیانگر مبادلات اقتصادی است، مانند تجارت و خرید و فروش، اجاره، هبه و صلح؛ بعضی در ارتباط با حقوق خانوادگی است، مانند نکاح، طلاق و لُعان. برخی دیگر مانند امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در راه خدا و آمادگی رزمی در شمار مسئولیت‌های اجتماعی است و دسته‌ای دیگر از آنها، احکام مربوط به قضاوت و شهادت است که در این رابطه از قوانینی مانند حدود، تعزیرات، قصاص و دیات می‌توان نام برد. احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها که در فقه از آن با عنوان اطعمه و اشربه و صید و ذباحه یاد می‌شود و نیز احکام انفال که در گستره دریاها، جنگل‌ها و زمین‌های انفال نقش آفرین است، بیانگر روابط انسان با طبیعت است و از سویی، دیگر مسئولیت انسان را آبادانی و عمران زمین قرار داده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ او است که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت» (هود: ۶۱).

آیت‌الله معرفت از این جامعیت با تعابیر مختلفی یاد می‌کند و می‌نویسد: حیات انسان دارای ابعاد مختلف است همانند علاقه به خود، علاقه به هموعان، علاقه به پروردگار و آفریننده. قوانین بشری تنها می‌تواند پاسخگوی علاقه اول و دوم باشد آن‌هم به صورت ناقص؛ ولی از تأمین نیازهای فطری الهی انسان و عشق او به معبود ناتوان است. پاسخگویی به این نیاز تنها از عهده ادیان الهی به‌ویژه اسلام برمی‌آید. در مورد دیگر نیز می‌نویسد: قوانین اسلامی توانسته بین روح و ماده توازن برقرار کند و برای هر کدام آنچه را متناسب با آن است، به صورت کامل مقرر دارد، اضطراب و نگرانی از آینده را از بین ببرد و فطرت و سرشت انسانی را در برنامه‌های خویش منظور دارد و این خود برهانی است روشن بر اینکه این معارف از جانب آفریننده انسان‌ها نازل شده است؛ خدایی که این استعدادها را در او قرار داده است و این برهان زمانی آشکارتر می‌شود که بدانی این معارف بر فردی نازل

شده که به مکتب نرفته و خط نوشته و به کشورهای مختلف در جهت تعلیم افکار و قوانین اصلاحی سیاحت و سفری نداشته است (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۶: ص ۲۱۳). آنچه ذکر شد دورنمایی کلی برای ابعاد مختلف و جامع احکام تشریحی بود و اگر خواسته باشیم با تفصیل بیشتر ورود کنیم، بررسی ابعاد پنجاه باب فقهی از حوصله این مقاله خارج است.

در نتیجه دلیل جامعیت قرآن بیانگر این است که این معارف هدایتی تنها از جانب خدا صادر شده است؛ زیرا فردی که مکتبی ندیده، درسی نخوانده، نمی تواند آورنده معارفی باشد که تمامی انسان‌ها، دانشمندان، متخصصان از هم‌وردی آن عاجز باشند؛ چنان که در سوره عنکبوت می فرماید: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذْ لَأْتَابِ الْمُبْطِلُونَ» تو هرگز پیش از این کتابی نمی خواندی و با دست خود چیزی نمی نوشتی، در غیر این صورت باطل اندیشان قطعاً به شک می افتادند» (عنکبوت: ۴۸)؛ زیرا بشر عادی بدون اتصال به وحی نمی تواند در ابعاد مختلف معارف اعتقادی با جامعیت و در گستره‌ای عام از آغاز و فرجام جهان و به کارگرفتن شیوه‌های مختلف در استدلال از آیات آفاقی و انفسی سخن بگوید و در همان حال در احکام حقوقی و اخلاقی آورنده تعالیمی جامع، فراگیر، قابل انطباق بر مقتضیات همه زمان‌ها باشد. این در حالی است که محیط درخشش چنین فردی از بدوی‌ترین و جاهلی‌ترین محیط‌های بشری بوده است و از تمدن و فرهنگ بیگانه بوده‌اند.

## ۲-۷. قدرت انطباق بر مقتضیات زمان

از موضوعاتی که می تواند بیانگر اعجاز تشریحی قرآن باشد، جاودانگی و قدرت انطباق برنامه‌های آن بر زمان است. تجربه نشان داده است بسیاری از مبانی نظری و برنامه‌های عملی انسان‌ها دچار نقص و مشمول گذر زمان شده است؛ ولی زمانی که می بینیم احکام تشریحی قرآن و اسلام اعم از معارف اعتقادی و احکام حقوقی و اخلاقی آن، قدرت و توانایی اش در انطباق با زمان‌ها محفوظ مانده است، درمی یابیم که روح و جان آورنده آن برای هدایت بشریت، در پیوند با مبدأ لایزال هستی بوده و معارف تشریحی قرآن فراتر از اندیشه نوابغ و متخصصان رقم خورده است، به ویژه آنکه فردی که مکتبی ندیده، درسی نخوانده، نمی تواند آورنده معارفی باشد که مسئله آموز صد مدرّس شود، به گونه‌ای که

تمامی انسان‌ها، دانشمندان، متخصصان از هم‌اوردی آن عاجز باشند. راز و رمز این جاودانگی و انطباق ریشه در ابعاد زیر دارد:

### ۱-۲-۷. انطباق با فطرت

یکی از ویژگی‌های معارف و احکام قرآنی فطری بودن آن است که به‌اختصار به آن می‌پردازیم. بخش قابل توجهی از معارف الهی قرآن درباره پرستش و عبادت خداوند است. هنگامی که انسان خداوند را قدرت برتر و آفریننده خویش بشناسد، به حکم فطرت خویش در برابر او کرنش و خضوع می‌کند. تاریخ بشری همواره شاهد آن بوده است که انسان‌ها برخی موجودات را به‌اشتباه قدرت برتر قرار می‌دانند و آنان را تقدیس می‌کردند و در برابر آنها، به نشانه معبود خویش کرنش می‌نمودند.

اینها در موقعیت‌ها و جوامع مختلف، شکل‌های مختلفی به خود می‌گرفته است و گاه با پرستش ماه و ستاره و گاه به‌صورت بت‌های دست‌ساخته از سنگ و چوب بوده است. برخی ملائکه را می‌پرستیدند و بعضی دیگر جنیان را عبادت می‌کردند. قرآن کریم این گرایش فطری را سامان داد و به انسان‌ها یادآور شد تنها خداوند یکتا شایسته پرستش است و در بخش احکام تشریحی، اگر فارغ از هواها و مشتبهات نفسانی، احکام قرآنی مطالعه شود، می‌توان اصالت و فطری بودن آن را دریافت؛ برای نمونه آیاتی از قرآن را که تلاوت آن موجب اسلام یکی از بزرگان مدینه گردید، ذکر می‌کنیم. دقت و مطالعه در هریک از آنها جلوه‌ای از تحسین فطرت را متجلی می‌سازد: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نُوْرُقُكُمْ وَ إِيَاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ \* وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ بگو: بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: اینکه چیزی را با او شریک مگیرید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان خود را از بیم درویشی و تنگدستی مکشید، ما شما و آنان را روزی می‌دهیم، و پیرامون کارهای زشت، چه آشکار و چه نهانش، مگردید و کسی را که خدا [کشتن او را] حرام

کرده مکشید مگر به حق. اینها است که شما را به آن سفارش کرده است. باشد که خرد را کار بندید \* و پیرامون مال یتیم مگردید. مگر به وجهی که نیکوتر است - تا به جوانی و نیروی خود برسد و پیمان و ترازو را به عدل و انصاف، تمام بدهید هیچ کس را تکلیف نمی‌کنیم مگر به اندازه توانش و چون سخن گویند [یا گواهی می‌دهید] به عدل و داد گویند اگر چه خویشاوند باشد، و به پیمان خدا وفا کنید اینها است که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، تا شاید یاد کنید و پند گیرید» (انعام: ۱۵۱-۱۵۲). در این دو آیه، ده حکم بیان شده است: ۱. چیزی را شریک خدا قرار ندهید. ۲. به پدر و مادر نیکی کنید. ۳. فرزندان را از ترس فقر نکشید. ۴. نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان. ۵. انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید، مگر از روی استحقاق. ۶. به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد. ۷. حق پیمان و وزن را به عدالت ادا کنید. ۸. هیچ کس را جز به مقدار توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کنیم. ۹. هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت کنید، حتی اگر در مورد نزدیکانتان بوده باشد. ۱۰. به پیمان خدا وفا کنید.

اگر دوباره آیه را مرور کنیم، کدامین حکم را می‌توان برخلاف فطرت یافت؟ آیا در احکام عملی زیباتر از توصیه به عدالت در رفتار و عدالت در پیمان و پرهیز از فحشا برای استحکام خانواده می‌توان یافت؟ این آیات را با جامعه جاهلی مقایسه کنیم که جنگ و غارت برایشان افتخار بود و با جامعه امروزی مقایسه کنیم که با تصویب قوانین منافی عفت نظام خانواده را در سراسرایی سقوط قرار داده‌اند؛ آن‌گاه است که جلوه‌های زیبای این برنامه‌ها در نگاهمان عظمت بیشتری خواهد یافت.

## ۲-۷. بیان اصول کلی و ماندگار

دومین عامل برای جاودانگی و انطباق احکام الهی بر زمان‌های مختلف این است که قرآن کریم افزون بر بیان احکام جزئی، قواعد و اصولی را بیان کرده که ثابت است و می‌تواند در همه زمان‌ها اجراشدنی باشد. بخشی از این قواعد را فقها با عنوان قواعد فقهیه بحث و بررسی کرده‌اند، مانند قاعده لزوم وفای به عقد و پیمان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها و قراردادهای وفا کنید» (مائده: ۱)، «وَأَوْفُوا

بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ و به پیمان خویش وفا کنید، که از پیمان پرسیده خواهد شد» (اسرا: ۳۴). عهد در این آیه شریف شامل تمامی قراردادهای فردی و اجتماعی در گستره زمان‌ها می‌شود. همچنین اصل عدالت در مبادلات: «وَ إِنْ تُبْتِئُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسَ أَفْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ؛ و اگر توبه کردید سرمایه‌های شما از آن شماست [و سودش را رد کنید، که در این صورت] نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید» (بقره: ۲۷۹). نیز اصل لزوم رعایت عدالت در روابط با هموعان: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ؛ به یقین خداوند به عدالت [فردی و عائلی و اجتماعی] و نیکی کردن فرمان می‌دهد» (نحل: ۹۰). قرآن کریم حتی در روابط با دشمنان دستور به عدالت می‌دهد: «وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است» (مائده: ۸). نیز اصل نفی سلطه بیگانگان: «وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خدا هرگز برای کافران راهی [برای تسلط] بر مؤمنان ننهاده است» (نساء: ۱۴۱). نفی سبیل در این آیه در مورد تمامی سلطه‌ها در گستره زمان عمومیت و شمول دارد. همچنین اصل عفاف و پایبندی به نظام خانواده و دوری از فحشا: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ \* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ؛ آنان که شرمگاه خود را [از حرام] نگهدارنده‌اند، مگر بر همسران یا کنیزان خویش، که [برای آمیزش با آنان] سرزنش نشوند» (مؤمنون: ۵-۶). «وَ أَنْ يَسْتَغْفِرَنَّ خَيْرٌ لَّهُنَّ؛ و اینکه خویشنداری کنند برایشان بهتر است» (نور: ۶۰). این ماندگاری و ثبات را می‌توان به همین سان در موارد دیگر دریافت.

### ۳-۲-۷. تشریح عناوین ثانویه

یکی از ویژگی‌های ممتاز قرآن و اسلام این است که در ساختار احکام و نظام تشریحی خویش، شرایط و حالت‌های مختلف و زمان و مکان‌های متفاوت را با عناوین ثانویه، در نظر گرفته است، بدون آنکه نیاز به تغییر در قوانین باشد؛ زیرا از اول فرض شده است جعل احکام در این حالات است. این گونه احکام موجب می‌گردند که بخش مهمی از رویدادهای مختلف و مسائل مستحدثه راه‌حل مناسب خود را دریافت کنند؛ برای مثال قاعده عسر و حرج در آیات قرآن آمده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ



بِكُمْ الْعُسْرُ؛ خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد» (بقره: ۱۸۵)، «ما جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ خدا برای شما هیچ مشقت و سختی طاقت‌فرسایی قرار نداده است» (حج: ۷۸). همچنین حکم حالت اضطرار در قرآن آمده است: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ؛ و هر که [به خوردن اینها] ناچار شود درحالی که نه ستمکار و سرکش باشد و نه از حد گذرنده، گناهی بر او نیست» (بقره: ۱۷۳). نیز قرآن کریم قانون حالت اکراه را بیان کرده است: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ؛ هر که پس از ایمان آوردنش به خدا کافر شود، مگر آنکه به ناخواه وادار شود [که سخنی خلاف ایمانش بگوید] درحالی که دلش به ایمان آرام است» (نحل: ۱۰۶).

#### ۴-۲-۷. حجیت سنت پیامبر ﷺ و امامان معصومین

در دوران ۲۳ سال نبوت پیامبر اکرم ﷺ تحولات و رویدادهای مهمی به وقوع پیوست، از احتجاج‌های اعتقادی تا رویارویی نظامی و از بیان روابط فردی تا روابط اجتماعی و روابط بین‌الملل، به‌ویژه آنکه حضرت در مدینه عهده‌دار حکومت بودند. گفتار، عمل، امضا و سکوت آن بزرگوار، که از آن به سنت یاد می‌شود، جلوه‌های زیبای اسلام را تحقق بخشید و سرمایه‌ای عظیم در کیفیت پاسخگویی به مقتضیات زمان گردید. قرآن کریم درباره استفاده از سنت پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ؛ و آنچه را پیامبر به شما داد بپذیرید و از آنچه شما را بازداشت بازایستید» (حشر: ۷). در ادامه، آن حضرت برای پس از رحلت خویش، بر اساس فرمان الهی پیشوایانی معصوم تعیین کرد که مدت ۲۵۰ سال جامعه از حضور مستقیم آنان بهره‌مند بود و این بزرگواران اصول و قواعدی را به یادگار گذاشتند که راه انطباق احکام را بر مقتضیات زمان فراهم ساخت؛ چنان‌که خود فرمودند: «عَلَيْنَا الْقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ؛ وظیفه ما بیان قواعد و اصول است و بر شما است که بر اساس آن تفریع کرده و حکم فروع را بیان کنید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ص ۶۲). این شیوه تا آن زمان است که آخرین حجت الهی حضرت بقیّه اللّه رخ نمایان سازد و حاکمیت جهانی قرآن را تحقق بخشد. دلایل قرآنی حجیت سنت معصومان در آیاتی تجلی یافته است، مثل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدای را فرمان برید و پیامبر و صاحبان امر را که از شمایند، فرمان برید» (نساء: ۵۹) و «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي؛ امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم» (مائده: ۳). این دلایل و آیات در مباحث کلامی به تفصیل بررسی شده است. تعبیه حجت سنت معصومان در تشریح احکام الهی موجب تبیین احکام الهی در قرآن کریم است.

#### ۵-۲-۷. فقیهان و مجتهدان

تحولات جوامع بشری موجب پیدایش مصادیق و فروع بسیاری می‌شود. دین مبین اسلام که جهانی و جاودانه است، راهکار پاسخگویی به آنها را در ساختار قوانین خویش با اصل اجتهاد و فقاہت بیان کرده است. یکی از مسئولیت‌های فقیهان انطباق صحیح و منطقی اصول اسلامی بر مصادیق و بیان درست فروع مختلف است و همان‌طور که اقبال لاهوری می‌گوید «اجتهاد قوه محرکه اسلام است» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۵۸)، نمونه‌ای از آن را شیخ طوسی در زمان خود ارائه کرد. ایشان در پاسخ به اشکال توانمند نبودن فقه شیعه در بیان فروع، کتاب هشتم جلدی المبسوط را نگاشت و مسائل بسیاری را بر اساس اصول کلی ذکر کرد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۲). قرآن کریم از همان آغاز فرمان داده تا گروهی خاص وظیفه فقاہت و اجتهاد را عهده‌دار گردند و در این باره فرموده است: «وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ و شایسته نیست مؤمنان همگی کوچ کنند. چرا از هر گروهی از آنان طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را بیم دهند شاید [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند» (توبه: ۱۲۲). در زمینه حجیت و شرایط فقیهان روایات مستفیضه‌ای وارد شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ص ۱۳۶). وجود اجتهاد روشمند در فقه موجب پاسخگویی به همه نیازهای فقهی همه جوامع در همه زمان‌ها است و معنایش این است که در تشریحات اسلامی بن‌بستی وجود ندارد و این خود نشانی دیگر از اعجاز تشریحی می‌تواند باشد.

## نتیجه‌گیری

۱. اعجاز امری خارق‌العاده است که به اذن الهی از سوی پیامبران همراه با تحدی و اعلام ناتوانی دیگران از آوردن همانند آن انجام می‌پذیرد.
۲. از جلوه‌های اعجاز قرآن کریم که قرآن به آن تحدی و اعلام هم‌وردی کرده، اعجاز در تشریح است.
۳. جامعیت قرآن در زمینه معارف اعتقادی و احکام، ما را به اعجاز تشریحی قرآن کریم رهنمون می‌سازد.
۴. انطباق احکام تشریحی قرآن کریم با مقتضیات زمان از اعجاز تشریحی قرآن حکایت می‌کند.
۵. برای انسان‌ها بدون اتصال به وحی، ارائه معارف جامع و جاودانه و منطبق بر مقتضیات زمان میسر نیست.



## کتابنامه

١. قرآن کریم.
٢. ابن عاشور، محمد بن طاهر (١٤٢١ق)، التحرير و التوير، بيروت: مؤسسه التاريخ.
٣. ابن فارس، احمد (١٤٠٤ق)، معجم مقائيس اللغة، تحقيق: عبدالسلام هارون، بيروت: مكتب الاعلام الاسلامي.
٤. اصفهاني، مهدي (١٣٨٥)، ابواب الهدى، قم: بوستان كتاب.
٥. بلاغي، محمد جواد (١٤٢٠ق)، آلاء الرحمن في تفسير القرآن، قم: بنياد بعثت.
٦. جوادى آملی، عبدالله (١٣٩١)، مفاتيح الحياة، قم: نشر اسراء.
٧. حرّ عاملى، محمد (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت.
٨. خويى، سيد ابوالقاسم (١٣٩٤ق)، البيان، قم: المطبعة العلميّه.
٩. راغب اصفهاني، حسين (١٤١٢ق)، المفردات في غريب القرآن، بيروت: دارالعلم.
١٠. رضا، محمدرشيد (بى تا)، تفسير القرآن الحكيم الشهير بتفسير المنار، بيروت: دارالمعرفه.
١١. زمخشرى، محمود (١٤٠٧ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، چ ٣، بيروت: دار الكتاب العربى.
١٢. سيوطى، جلال الدين (١٤٠٧ق)، الاتقان في علوم القرآن، دمشق: دار ابن كثير.
١٣. صادقى تهرانى، محمد (١٣٦٥)، الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن، چ ٢، قم: انتشارات فرهنگ اسلامى.
١٤. طباطبايى، محمد حسين (١٤١٧ق)، الميزان في تفسير القرآن، چ ٥، قم: دفتر انتشارات اسلامى.
١٥. طوسى، محمد (١٣٨٧ق)، المبسوط في فقه الامامية، چ ٣، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
١٦. عروسى حويزى، عبدعلى (١٤١٥ق)، تفسير نور الثقلين، چ ٤، قم: مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان.
١٧. فراهيدى، خليل ابن احمد (١٤١٤ق)، ترتيب كتاب العين، تصحيح اسعد طيب، قم: باقرى.

۱۸. فیومی، احمد (۱۴۰۵ق)، المصباح المنیر، قم، مؤسسة دارالهجرة.
۱۹. قزوینی خراسانی، مجتبی (۱۳۸۹)، بیان الفرقان فی توحید القرآن، قم: دلیل ما.
۲۰. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶)، منهج الصادقین، تهران: نشر علمی.
۲۱. گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (۱۳۸۷)، معرفت قرآنی: یادنگار آیت الله محمدهادی معرفت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسة التمهید.



## References in Arabic / Persian

1. *The Holy Quran*.
2. Ibn Ashour, Muhammad bin Taher (1421 AH), *Tahrir and al-Tanvir*, Beirut: Institute of History.
3. Ibn Faris, Ahmad (1404 AH), *Mujam al-Maqa'is al-Loqat*, by Abdul al-Salam, Haroun, Beirut: Maktab al-A'alam al-Islami.
4. Esfahani, Mehdi (1385 SH), *Abwab al-Hadi*, Qom: Bustan Kitab.
5. Balaghi, Mohammad Javad (1420 AH), *Al-Rahman fi Tafsir al-Quran*, Qom: Be'athat Foundation.
6. Javadi Amoli, Abdullah (1391 SH), *Mafatih Al-Hayat*, Qom: Esrae Publications.
7. Hor Ameli, Mohammad (1409 AH), *Vasa'el Al-Shi'ites*, Qom: Alulbayt Institute.
8. Khoei, Sayyid Abolghasem (1394 AH), *Al-Bayan*, Qom: al-Matba'at al-Ilmiyah.
9. Ragheb Esfahani, Hussein (1412 AH), *Al-Mofradat fi Qarib al-Qur'an*, Beirut: Dar al-ilm.
10. Reza, Mohammad Rashid, *Tafsir al-Qur'an al-Hakim al-Shahir bi Tafsir al-Minar*, Beirut: Dar al-Ma'arefat.
11. Zamakhshari, Mahmoud (1407 AH), *al-Kishaf an Haqayeq Qavamez al-Tanzil*, third print, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
12. Soyouti, Jalaluddin (1407 AH), *al-Itqan fi Ulum al-Qur'an*, Damascus: Dar Ibn Kasir.
13. Sadeghi Tehrani, Mohammad (1365 SH), *Al-Furqan fi Tafsir Al-Qur'an*, second print, Qom: Islamic Culture Publications.
14. Tabatabai, Mohammad Hussein (1417 AH), *al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, fifth print, Qom: Islamic Publications Office.
15. Tousi, Mohammad (1387 AH), *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah*, third print, Tehran: Al-Maktab al-Mortazavi le Ihya al-Asar al-Jafariyah.
16. Arousi Howeizi, Abdali (1415 AH), *Noor al-Thaqlain Interpretation*, fourth print, Qom: Esmaeilian Press Institute.

17. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1414 AH), *Tartib Kitab Al-Ayn*, corrected by As'ad Tayeb, Qom: Bagheri.
18. Fiumi, Ahmad (1405 AH), *al-Misbah al-Munir*, Qom, Dar al-Hijrat Institute.
19. Ghazvini Khorasani, Mojtaba (1389 SH), *Bayan al-Furqan fi Tawhid al-Qur'an*, Qom: Dalile Ma.
20. Kashani, Mullah Fathullah (1336 SH), *Manhaj al-Sadiqin*, Tehran: Nashr Elmi.
21. Department of Qur'anic Studies Islamic Sciences and Culture Academy (1387 SH), *Quranic Knowledge: Ayatollah Mohammad Mahdi Ma'arefat*, Tehran: the Organization for Publications of Islamic Culture and Thought.
22. Motahhari, Morteza (1383 SH), *Collection of Works*, Tehran: Sadra Publications.
23. Ma'rifat, Mohammad Hadi (1386 SH), *Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an*, Qom: Al-Tamhid Institute.

